

جایگاه اشتغال زنان در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پروین حیدری شیخ طبقی^۱

چکیده

امروزه اشتغال زنان به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه اقتصادی همواره ارزیابی و سنجش می‌شود. بنابراین لازم است متناسب با استعدادهای زنان زمینه اشتغال و مشارکت آنان در عرصه‌های اقتصادی نیز فراهم گردد. مقام معظم رهبری در این خصوص فرموده اند «از نظر اسلام میدان تلاش و فعالیت برای زنان کاملاً باز است و اگر کسی بخواهد با استناد به بینش اسلامی زن را از کارهای علمی و تلاش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی محروم کند، برخلاف حکم خدا سخن گفته است». این مقاله تلاش می‌کند با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بازشناسی چالشها و آثار و پیامدهای اساسی اشتغال زنان با توجه به ارزشهای انقلابی و اسلامی کشور در چارچوب سیاستهای جاری جمهوری اسلامی ایران و با مقایسه قوانین برنامه های چهارم و پنجم توسعه در خصوص زنان پردازد تا گامی مؤثر در تدوین بخشی از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (چه به لحاظ مسائل اقتصادی و چه از بعد مسائل فرهنگی و خانوادگی) بردارد.

واژه‌های کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اشتغال، زنان، برنامه چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

۱. مقدمه

از هنگامی که بشر پای بر هستی نهاده، زنان در همه عرصه‌های زندگی همچون اقتصاد، سیاست، دین و فرهنگ و هنر، پا به پای مردان نقشی حیاتی و خلاق را ایفا کرده اند. زنان در جای جای تمدن بشری نشانه‌های سازنده خویش را بر تارک زمان حک کرده و درخشش ماندگاری را هم اکنون در گنجینه‌های بزرگ دنیا در قالب آثار بازمانده از عصر ماقبل تاریخ، تاریخ و زمان متأخر به نمایش گذاشته اند (رستمی، ۱۳۸۳). این مهم باعث شده که امروزه در مباحث مربوط به توسعه، نقش و اهمیت نیروی انسانی به ویژه اشتغال زنان توجه محققان و صاحب نظران توسعه را به خود جلب نماید. به طوری که امروزه یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور میزان اهمیت و اعتباری است که زنان جامعه در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصادی دارا هستند و اشتغال زنان به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه اقتصادی همواره ارزیابی و سنجش می‌شود (پیشگاهی فرد و ام البنی، ۱۳۸۸). افزایش اشتغال زنان با افزایش سرمایه انسانی رابطه مستقیم دارد و یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی محسوب می‌شود و کاهش مشکلات حضور زنان در بازار کار از طریق ایجاد فرصت‌های برابر و ترویج فرهنگ مشارکت مردان در مسئولیت‌های خانوادگی می‌تواند موجبات تسریع رشد اقتصادی کشور را فراهم نماید (هرندی و جمشیدی، ۱۳۸۷). امروزه در اغلب کشورهای جهان، زمینه و عرصه حضور زنان در بستر توسعه بر پایه تعریف همه سوبه‌نگری و کل‌گرائی توسعه (Sarrafi, 1992) فراهم گردیده است و زنان نه تنها به عنوان یک جنسیت، بلکه با جایگاه‌ها و موقعیت‌های متنوع و

متفاوت برخاسته از توانمندی‌ها و مهارت‌های علمی - تخصصی و نیز با فرصت‌هایی که جامعه و نظام سیاسی در اختیار آنان قرار می‌دهد، به نقش‌آفرینی در عرصه توسعه می‌پردازند (صیدالی بختیاری، ۱۳۹۱). در اغلب نوشته‌های پس از جنگ جهانی دوم تا نیمه‌های دهه ۱۹۶۰، مفهوم "زن"، به منزله یک جنس به کار برده شده است و به سان موجودی با مشکلات و مسائل خاص خود و جدا از مرد دیده شده است (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۱). برنامه‌های توسعه مبتنی بر رویکرد "زن در توسعه"، بیان می‌کند که توسعه اقتصادی همچنان که برای تمام جامعه مفید است، برای زنان نیز یک نیاز و ضرورت اجتماعی است و وضعیت زنان در جامعه تنها در صورتی اصلاح خواهد شد که برنامه‌ریزان توسعه، فرصت‌های برابر را میان دو جنس فراهم کنند و از سوی دیگر زنان نیز تلاش کنند که از حرکت عمومی جامعه به سوی توسعه باز نمانند (شادی‌طلب، ۱۳۸۱). این در حالیست که مدیران و برنامه‌ریزان کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه به زنان و نقش آنها در فرایند دگرگونی و توسعه جامعه اعتقاد چندانی ندارند. زنان در این کشورها بیشتر عنصر حاشیه‌ای، غیرفعال و غیرمولد محسوب می‌شوند و در چنین شرایطی به تدریج زنان از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد، پیوند با بازار کار و در یک کلام از مشارکت در سطوح تصمیم‌گیری محروم می‌شوند، به دنبال آن جامعه نیز به دلیل عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی نیمی از جمعیت خود نمی‌تواند فرایند توسعه را به آن شکلی که علم تجویز می‌کند بپیماید (امینی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۶).

رهبر فقید انقلاب حضرت امام خمینی (قدس سره)، زن را با حفظ موقعیت و نقش‌های مختلف خانوادگی و نیز کرامت و منزلت انسانی او در جامعه مطرح نمود و در مرکز فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی قرار داد و پرچم بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی را بدست آنان سپرد و فرمود: «از دیدگاه اسلام زن و مرد هر کدام دارای هویت انسانی و استقلال ذاتی بوده و رشد و پیشرفت کشور بدون حضور اجتماعی زنان به پیروزی و اهداف خود نخواهد رسید»، لذا اختلاف جنسیت نمی‌تواند موجب برخورداری و یا محرومیت یکی یا دیگری از پاره‌ای مسایل چون شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ایفای وظیفه گردد. جامعه هم به خدمت مردان و هم به خدمات زنان نیازمند است. مقام معظم رهبری فرمودند که «تلقی اسلام از زن و مرد این است که هر دو از اجزای اتم نظام آفرینش هستند، و اگر جوامع بشری شناخت درستی از جایگاه، اهداف خلقت و وظایف زن و مرد در طبیعت بشری بدست آورند و آن را درست بکار گیرند، نظام الهی به طور کامل تحقق پیدا خواهد کرد و بشریت از فیض همگنی، همکاری و همایش صحیح مرد و زن بهره‌های فراوانی خواهد برد. زیبایی و کامل بودن چهره بشریت منوط به قرار گرفتن زن و مرد در جایگاه واقعی خود در قلمرو زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی می‌باشد که ایفای این نقشها باعث تکمیل عالم وجود و راز تداوم نظام حیات بشری است، و این همان حکمت الهی است. زن و مرد براساس دیدگاه حکمت الهی در قلمرو زندگی اختصاصی و خانوادگی وظایف خاصی برعهده دارند و در قلمرو زندگی و فعالیت‌های اجتماعی، مسئولیت‌های مشترکی را از طریق اعمال توانایی‌های خود انجام می‌دهند» و نیز درباره فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی فرمودند: «از نظر اسلام میدان تلاش و فعالیت برای زنان کاملاً باز است و اگر کسی بخواهد با استناد به بینش اسلامی زن را از کارهای علمی و تلاش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی محروم کند، برخلاف حکم خدا سخن گفته است». در این راستا تحصیل زنان نیز باعث ارتقاء آگاهی‌های فرهنگی و اجتماعی، کاهش مرگ و میر، کاهش نرخ رشد جمعیت، استفاده صحیح از منابع اقتصادی و فرهنگی در داخل و بیرون منزل، انتقال مفاهیم صحیح فرهنگی و ارزشی از نسلی به نسل دیگر و نهایتاً ایجاد توسعه‌ی معنوی و اخلاقی می

گردد. در جهان امروز نیز یکی از مهمترین معیارها جهت سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتباری است که زنان در آن کشور دارا هستند. اکنون که نگاه جهان بیشتر به سوی زنان معطوف شده است برای تحقق توسعه اجتماعی، تسریع فرآیند توسعه اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت.

رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای نیز در سومین نشست اندیشه های راهبردی (۹۰/۱۰/۱۴) با تأکید بر اینکه مسئله زن و خانواده از مسائل درجه یک کشور است فرمودند: «در خصوص زن و خانواده، منابع و تعالیم اسلامی برجسته و متقنی وجود دارد که باید پس از تئوریزه شدن، بصورت نظریه های قابل استفاده، در اختیار همه قرار گیرد.» حضرت آیت الله خامنه ای، نقش و سهم بانوان در نظام اسلامی را ممتاز و بی بدیل دانستند و خاطر نشان کردند: نقش بانوان در دوران مبارزه، پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از انقلاب به ویژه دوره ی بسیار سخت دفاع مقدس، و در عرصه های مختلف، نقشی مؤثر، ممتاز و بی جایگزین است که با هیچ معیاری قابل اندازه گیری نیست. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: اولین کسی که نقش و جایگاه ممتاز بانوان را درک کرد و زمینه ساز نقش آفرینی برجسته زنان در عرصه های مختلف شد، امام بزرگوار بود، همچنانکه آن امام، اولین کسی بود که جایگاه مردم و تأثیر حضور آنان را درک کرد. ایشان با تأکید بر اینکه کشور همواره به حضور زنان در مجموعه حضور ملی، نیازمند است، خاطر نشان کردند: بر همین اساس باید برای حفظ ظرفیت بانوان در جامعه و نقش آفرینی آنان، تلاش شود. حضرت آیت الله خامنه ای، مسئله اشتغال زنان در جامعه را، امری قابل قبول و بدون اشکال خواندند اما تأکید کردند: در این زمینه باید ۲ شرط اساسی را کاملاً رعایت کرد. نخست اینکه اشتغال، کار اساسی زن در خانه و خانواده و مسئولیت مهم همسری و مادری را تحت الشعاع قرار ندهد و دوم اینکه مسئله محرم و نامحرم به خوبی رعایت شود. ایشان با توصیه به دولت برای کمک به زنان شاغل افزودند: دولت به گونه ای برنامه ریزی کند که زنان شاغل بتوانند به کار اصلی خود یعنی رسیدگی به خانه و خانواده نیز بپردازند. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، افق گسترده‌ای است که در راستای دستیابی به توسعه پایدار، نیازمند مشارکت تمام اقشار جامعه است. با عنایت به رهنمودهای رهبری، الگو یک سند بالادستی است برای تمام اسناد برنامه ای، چشم انداز و سیاست گذاری های کشور تا دولت‌مردان را از حرکت‌های بی هدف دور کند. در الگو باید وضعیت مطلوب و چگونگی رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب تصویر شود. بنابراین، در ساختار برنامه توسعه همه‌جانبه کشور، مسائل فرهنگی، ارزشی، دینی و تحکیم خانواده وابسته به جامعه سالم و پویا، در گرو توجه به نقش و جایگاه زنان در عرصه های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. در این میان بررسی چالش‌های اشتغال زنان می‌تواند گامی در جهت نزدیک شدن به تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی باشد.

۲. تبیین و ضرورت مساله پژوهش

دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول نموده است (دادورخانی، ۱۳۸۵). توسعه زمانی تحقق می‌یابد که از تمامی عوامل و امکانات و منابع تولید کشور استفاده به عمل آید. یکی از این منابع و عوامل تولیدی، نیروی انسانی است (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۰). اشتغال و بیکاری از بزرگترین مسائلی هستند که برای ایجاد یک جامعه مرفه باید مورد

توجه قرار گیرند چراکه مهمترین شرط برای رشد و توسعه جوامع ایجاد اشتغال است. به طوری که نیروی کار منبعی برای موفقیت است و اگر از نیروی کار به درستی و به طور مناسب استفاده نشود به جای فراهم کردن سود، زیان به همراه خواهد داشت^۲ تا جایی که ائتلاف نیروی انسانی و بیکاری، دوره گذر توسعه را به یک دوره فرسایشی بدل می نماید و دامنه فقر را در جامعه گسترش می دهد (کیانمهر، ۱۳۷۹). عدم دسترسی زنان به شغل مناسب و یا عدم ارتقای شغلی آنان علاوه بر دامن زدن به بی عدالتی اجتماعی بر بسیاری از متغیرهای اجتماعی نظیر فقر و بیماری تأثیر منفی می گذارد و عامل مهمی در سد کردن راه رشد و تعالی انسان است (عباسیان و همکاران، ۱۳۹۰). شمار روزافزون زنان بیکار موجب کاهش سطح تولید و بهره وری و افت درآمد سرانه و رفاه می شود (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶) در حالی که افزایش اشتغال زنان با افزایش سرمایه انسانی رابطه مستقیم دارد و یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی محسوب می شود. کاهش مشکلات حضور زنان در بازار کار از طریق ایجاد فرصت های برابر و ترویج فرهنگ مشارکت مردان در مسئولیت های خانوادگی می تواند موجبات تسریع رشد اقتصادی کشور را فراهم نماید (هرندی و جمشیدی، ۱۳۸۷). واقعیت های موجود نشان دهنده آن است که در مناطق مختلف کشور نابرابری های زیادی در امر اشتغال وجود دارد. پدیده فوق حتی در بین شهرستان های مختلف یک استان نیز قابل مشاهده است. این پدیده به دلیل عدم شناخت امکانات و استعداد های مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی به وجود آمده است (فرشادفر و اصغریپور، ۱۳۸۹). لذا شناخت نابرابری ها در توزیع فرصت های شغلی مناطق مختلف کشور در زمینه اشتغال زنان و پرداختن به این مسأله جهت شناخت نقاط ضعف و قوت و ارائه راهبردهای مناسب برای توسعه اشتغال زنان به منظور برنامه ریزی های آتی امری مهم و ضروری به نظر می رسد.

۳. پیشینه تحقیق

حورا (۱۳۸۴) معتقد است که مهم ترین دغدغه در برنامه چهارم توسعه موضوع اشتغال زنان و ارتقاء جایگاه اقتصادی زنان در جامعه است و اگر سخن از اصلاح نگرش های عمومی نسبت به زنان است، این اصلاح نگرش، ناظر به تصدی مناصب اقتصادی و فرصت های اشتغال است، این در حالی است که در برنامه سوم، بر نیاز های آموزشی و فرهنگی - ورزشی خاص با بهره گیری از اصول و مبانی اسلامی تأکید شده است. زعفرانچی (۱۳۸۵) موضوع زنان و خانواده را در چهار برنامه توسعه مورد بررسی قرار داد. نتایج مقاله وی نشان می دهد در برنامه های اول و دوم توسعه در محور زنان، افزایش سطح سواد عمومی زنان، ارتقای سلامت آنان و برنامه های اوقات فراغت و تربیت بدنی زنان مورد توجه بوده است و در برنامه سوم یکی از مواد برنامه، مختص توسعه مشارکت های فرهنگی اجتماعی زنان در نظر گرفته شده بود. در برنامه چهارم توسعه نیز علیرغم درک ضرورت توجه به مسایل زنان و خانواده و گنجانیدن پاره ای مباحث در این خصوص، محور های مهمی نیز مغفول واقع شده است. دادورخانی (۱۳۸۵)، در مطالعه ای با هدف بررسی توسعه روستایی و چالش های اشتغال زنان، وضعیت اشتغال زنان روستایی استان گیلان به این نتیجه رسید که با ادامه روند کنونی توسعه روستایی هیچ گونه چشم انداز روشنی را برای بهبود وضعیت اشتغال زنان و به خصوص دختران جوان در روستاها نمی توان انتظار داشت و سهم و نقش اشتغال زنان روند نزولی را خواهد داشت. نتایج مطالعه امینی و احمدی شاپورآبادی (۱۳۸۶)، نشان داد که دلیل اصلی اشتغال و تمایل به اشتغال ۹۴ درصد زنان روستایی،

^۲ Çelik and Tatar (2011)

نیاز مبرم اقتصادی است و ۴۵ درصد زنان شاغل درآمد حاصل از دسترنج خویش را شخصاً دریافت نمی‌کنند. همچنین ۶۳ درصد آنان حق خرج کردن درآمد خود را ندارند. نتایج تحقیق یزد خواستی و احمدی (۱۳۸۶) با عنوان "بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵" حکایت از افزایش بیکاری زنان و مردان در ایران دارد اما این افزایش برای زنان چشمگیرتر است و همچنین تحصیلات زنان در افزایش اشتغال آنها در بخش عمومی تأثیرگذار بوده است. آقابخشی و محتشمی (۱۳۸۸) در پاسخگویی به این پرسش که زنان جامعه ایران در برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سیاسی کشور از چه جایگاهی برخوردار بوده‌اند، به تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه پرداخته و چنین نتیجه گرفت‌اند که با گذشت زمان از برنامه اول به چهارم، حساسیت برنامه ریزان به مسئله جنسیت و زنان بیشتر شده و به موازات تدوین و تصویب مواد قانونی، نهادها، تشکیلات و برنامه‌های متناظری نیز برای تحقق این هدف به وجود آمده است. صدقاتی‌فرد و ارجمند (۱۳۸۹) به بررسی انگیزه‌های زنان ایرانی از شرکت در فرایندهای اجتماعی و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان پرداخته‌اند. افراخته (۱۳۹۰) در ارزیابی جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان، به این نتیجه رسیده است که با افزایش آگاهی‌ها و تغییر باورها می‌توان جایگاه نازلی را که جامعه در اثر باورها و نظام‌های نهادی نادرست به زنان تحمیل کرده، بهبود بخشید و بستر مناسب ارتقاء جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان فراهم نمود. عباسیان و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که میزان فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان نسبت به مردان استان و زنان استان‌های دیگر پایین‌تر است و میزان فعالیت زنان برای مدت ۴۰ سال بدون تغییر باقی مانده است. قنبری و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی مناطق روستایی ایران را بر اساس شاخص‌های اشتغال زنان با استفاده از ۱۱ شاخص اشتغال بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که حدود ۴۳ درصد استان‌های کشور در سطوح بسیار برخوردار و برخوردار، حدود ۱۷ درصد در سطح نسبتاً برخوردار و حدود ۴۰ درصد در سطوح محروم و بسیار محروم واقع شده‌اند. همچنین میزان برخورداری از شاخص‌های اشتغال زنان در مناطق شمال غرب، شرق و شمال شرق ایران مطلوبتر و در مناطق مرکزی (به استثنای استان اصفهان) و جنوبی کشور وضعیت نامطلوبی دارند. مروری بر دیدگاه‌ها و نقطه نظرات ارائه شده در باب اشتغال و به ویژه اشتغال زنان نشان می‌دهد که به طور کلی کشورمان به لحاظ اشتغال و به ویژه اشتغال زنان وضعیت چندان مطلوبی ندارد و طی دوره‌های مختلف میزان بیکاری در کشورمان افزایش یافته است. همچنین سهم اشتغال زنان سیر نزولی را طی کرده و در صورت ادامه روند کنونی چشم‌انداز روشنی را نمی‌توان برای زنان کشور پیش‌بینی کرد.

۴. خانواده و پیامدهای مثبت اشتغال

یکی از کارکردهای مهم خانواده «جامعه‌پذیری» است. کودکان اولین فضایی را که برای رسیدن به رشد انسانی و آغاز فرایند جامعه‌پذیری را تجربه می‌کنند، «خانواده» است. تأثیر خانواده به حدی است که شمار قابل توجهی از افراد بزه‌کار، که توانایی مشارکت اجتماعی ندارند و قادر به ایجاد ارتباط سالم با دیگران نیستند، کسانی هستند که از محل خانواده و دستان عاطفه‌گستر و حمایتگر والدین محروم بوده‌اند. (علاسوند، ۱۳۸۲). در فرهنگ ما مهم‌ترین وظیفه زن خانه‌داری و پرورش فرزندان است. بنابراین، بهتر است اشتغال زن متناسب با شئون زنانانه طراحی گردد، به گونه‌ای که به روح و جان و جسم او آسیب نرسد. البته این حرف به

معنای دور کردن زن از اجتماع نیست؛ چون در آن صورت، دیگر نباید به تسهیلات برای اشتغال زنان بیندیشیم. اگر آن گونه که اسلام مقرر کرده است، یک مرد در محیط خانه، با زن معاشرت به «معروف» داشته باشد و جامعه اسلامی و قوانین حقوقی، شغل خانگی زن را نه تنها از لحاظ معنوی، بلکه از لحاظ مادی به رسمیت بشناسد، بسیاری از زنان شاغل ترجیح می‌دهند که کار محیط خانه را به عنوان اشتغال برگزینند. در غیر این صورت، اگر بنا باشد از یک سو، با زنان حسن معاشرت نشود و آینده آنها معلوم نباشد و از سوی دیگر، ارزش معنوی و مادی شغل خانگی آنها معلوم نباشد و از سوی دیگر، ارزش معنوی و مادی شغل خانگی آنها محسوب نشود و همچنین به نام «اسلام»، پیامدهای منفی اشتغال آنان در خارج از خانه تذکر داده شود، به زن و حیثیت و آینده او ظلم شده است. امام خمینی رحمه‌الله در همان حال که بر مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان تأکید کم‌نظیری داشت، این مشارکت را در طول نقش مادری - همسری می‌دید. برای مثال، درباره اشتغال زنان نظرشان این بود که اشکالی ندارد، البته تا حدی که به خانواده لطمه نخورد؛ چرا که زن را مرتبی جامعه می‌دانست. گاهی هم که به عنوان مزاح می‌گفتند: چرا زن باید همیشه در خانه بماند؟ می‌فرمود: خانه را دست کم نگیرید، تربیت بچه‌ها کم نیست. اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند خدمت بزرگی به جامعه کرده است. (ستوده، ۱۳۷۳) ولی ارزش شغل تربیت فرزند با هیچ میزانی سنجیده نمی‌شود و در جامعه اسلامی آن گونه که لازم است نظام ارزشی جایگاه تربیت نسل را مشخص نکرده است. مهم‌ترین مزیتی که باعث می‌شود زنان به اشتغال روی آورند، «درآمدزایی» است. اشتغال و استفلا اقتصادی زنان و درآمدزایی آنها موجب می‌شود که سطح زندگی خانواده از وضعیت بهتری برخوردار شود. زنان در بسیاری کشورها تلاش می‌کنند که از مشاغل نیمه وقت استفاده نمایند. دو دیدگاه متضاد در خصوص بهره‌وری کار بانوان شاغل نیمه وقت وجود دارد. دیدگاه منفی این است که مشاغل نیمه وقت این مفهوم را می‌رساند که اتلاف منابع و کاهش بازدهی سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی را نشان می‌دهد چرا که بسیاری از زنان شاغل پاره وقت دارای تحصیلات عالی هستند. در مقابل دیدگاه مثبت به این مساله توجه دارد که بدون وجود مشاغل پاره وقت امکان مشارکت نیروی کار زنان به شکل قابل ملاحظه‌ای پایین خواهد آمد چرا که زنان با انتخاب بین یک شغل تمام وقت و یا صفرساعت کارکردن، وادار به انتخاب گزینه دوم خواهند شد. از دیگر مزایایی که می‌توان برای اشتغال زنان ذکر کرد، عبارتست از: کاهش انتظارات و توقعات زنان شاغل، ایجاد روحیه همکاری متقابل در خانواده، بالا رفتن اعتماد به نفس در زنان، افزایش مدیریت در امور خانواده و درک بهتر مشکلات زندگی.

۵. مبانی نظری

بیکاری از مهمترین دغدغه انسان‌ها است که می‌تواند باعث آسیب‌های بزرگ اجتماعی، کمبود رفاه و کاهش استانداردهای زندگی انسان‌ها گردد. همراه با بالا رفتن نرخ بیکاری در اغلب اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه، توجه و آگاهی از مفاهیم و نظریه‌های بازار کار منطقی به نظر می‌رسد^۳. زنان در بازار کار از لحاظ نوع شغل، موقعیت اشتغال و میزان درآمد ناشی از کار با شرایط متفاوتی نسبت به مردان روبه‌رو هستند که نظریه‌هایی به‌منظور تحلیل و تبیین این تفاوت‌ها شکل گرفته است. نظریه‌های اصلی در این زمینه عبارتند از: نظریه نئوکلاسیک، نظریه تفکیک جنسیتی بازار کار و نظریه فمینیستی.

³ Ernst et al (2011)

۱,۵ نظریه نئوکلاسیک

این نظریه برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی و اختلاف درآمد بین کار مردان و زنان به متغیرهایی نظیر مسئولیت‌های خانوادگی، نیروی جمعیتی، آموزش‌های عمومی، غیبت و جابه‌جایی از کار اشاره می‌کند و این عوامل را در میزان بهره‌وری نیروی کار مؤثر می‌داند^۴. باور نئوکلاسیک‌ها بر این است که سیاست‌گذاران برای کاهش تبعیض، باید به متغیرهایی غیر از متغیرهای بازار کار توجه کنند و برای آموزش زنان، ایجاد مهارت در شغل‌های غیرسنستی برای آنان، تنظیم خانواده، افزایش مسئولیت مردان، سهم برابر زنان و مردان در نگاه‌داری و تربیت کودک و کارهای خانگی سیاست‌گذاری کنند. همچنین، با سازماندهی دوباره زمان کار، موارد ممنوعیت اشتغال زنان در بعضی مشاغل را از قانون کار حذف کنند (ابونوری و غلامی، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۲).

۲,۵ نظریه تفکیک جنسیتی بازار کار

این دیدگاه، برای تبیین نابرابری‌های جنسیتی در اشتغال، بر ساختار بازار نیروی کار تأکید دارد و فرض می‌کند که بازار نیروی کار به دلیل موانع نهادی تفکیک شده، اما در درون هر بخش، اصول نئوکلاسیک اعمال می‌شود. هر یک از قسمت‌های بازار نیروی کار، به بخش‌های اولیه و ثانویه تقسیم شده؛ مشاغل بخش اول دارای ابعاد پیشرفته‌ای در آموزش و پرداخت هستند در حالی که مشاغل بخش دوم پرداخت ناچیز و امنیت کمی دارند. به دلیل رویگردانی یا واگذاری کار از سوی زنان، آنها بیشتر به اشتغال در بخش دوم تمایل دارند در حالی که مردان، مشاغل نوع اول را ترجیح می‌دهند. با این وجود، واگذاری کار و غیبت در مشاغل سطح پایین و بدون آینده، نظیر مشاغل بخش دوم که زنان در آنها تمرکز زیادی دارند، بیشتر است. بنابراین، ابعاد اعتباری شاغلان می‌تواند به دلیل تفاوت‌های جنسیتی در نوع اشتغال، بیش از خصایص اکتسابی زنان باشد. دیگر عوامل مؤثر در این تفکیک جنسیتی عبارتند از: سازمان‌یابی بهتر کارگران مرد در دفاع از تفاوت‌های مهارتی (حرفه‌ای) و درآمدی، اصرار آنها در رقابت نیروی کار ارزان (اغلب زنانه) و نقش روابط جنسیتی و دیدگاه‌های مرد سالارانه‌ای که ساختار موسسات تجاری را کنترل می‌کنند. در شهرهای جنوب، که زنان، اغلب از ورود و اشتغال در اقتصاد سرمایه‌داری منع شده‌اند^۵.

۳,۵ نظریه‌های فمینیستی

نظریه‌های فمینیستی بر اهمیت عوامل فرهنگی و اجتماعی در تحدید دسترسی زنان به بازار کار تأکید دارند^۶. طبق این نظریه، گرایش مشاغل زنانه، گرایشی از نقش خانگی آنها است و همان‌گونه که در بیشتر جوامع کار خانگی کم ارزش انگاشته می‌شود، این مشاغل و مهارت‌ها نیز در بازار کار کم ارزش به حساب می‌آیند. وجود خصوصیات نظیر دستور پذیری بیشتر، شکایت کمتر از کار، علاقه بیشتر به کارهای تکراری و نیاز کمتر به درآمد (زنان معمولاً دومین نان‌آور خانواده محسوب می‌شوند) در زنان منجر به اختصاص کارهای با درآمد کمتر، مهارت پایین‌تر و نیز تأمین اجتماعی و پیشرفت کمتر به آنان داده می‌شود (ابونوری و غلامی، ۱۳۸۸). حضور زنان در بازار کار بر حسب شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور

⁴ Mommsen, J. (2004)

⁵ Vicky (1999)

⁶ Domosh and Seager (2001)

بستگی به عوامل گوناگونی دارد که مهم‌ترین این عوامل در چهار گروه اقتصادی، جمعیت شناختی، فرهنگی و اجتماعی طبقه بندی شده است.

گروه اول: عوامل اقتصادی

تورم اقتصادی: تورم باعث می‌شود زنان در مقام نان‌آور دوم، به‌ویژه در میان طبقه درآمدی پایین، وارد صحنه فعالیت و کار شوند که این خود بر میزان مشارکت و بیکاری و سطح دستمزدها اثرگذار خواهد بود (علمی، ۱۳۸۳).

توسعه اقتصادی: در مراحل اولیه توسعه، نرخ مشارکت زنان در بازار کار کاهش یافته تا به حداقل رسیده و با افزایش درجه توسعه‌یافتگی، سهم زنان در بازار کار افزایش می‌یابد.^۷

توزیع درآمد: هرچه توزیع درآمد نابرابرتر باشد، برای حمایت از سطح واقعی مصرف خانوار، زنان اقدام به فعالیت اقتصادی بیرون از خانه خواهند کرد از این رو میزان اشتغال‌شان افزایش می‌یابد (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۳)

نقش دولت: اندازه دولت که با هزینه‌های مختلف و اعمال مقررات گوناگون جلوگیری از با توجه به اینکه در ایران بخش وسیعی از زنان تحصیل کرده در بخش عمومی فعالیت دارند، این سیاست‌گذاری می‌تواند بر بازار کار در ایران و به خصوص سطح مشارکت و اشتغال زنان اثر بگذارد (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶).

میزان بیکاری: هر چه نرخ بیکاری در کشوری افزایش یابد، به دلیل کاهش فرصت‌های شغلی برای زنان، انگیزه جستجوی شغل در میان زنان کمتر می‌شود و بنابراین سهم زنان در اشتغال کاهش می‌یابد.^۸

سطح دستمزد زنان: سطح دستمزد باید هزینه‌های فرصت و ماندن در خانه و امور خانه‌داری را جبران کند (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶).

شرایط اجتماعی و اقتصادی خانوار و میزان دستمزد همسر: اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی خانوار بهتر باشد، زنان کمتر به درآمدهای کاری وابسته‌اند و هرچه دستمزد همسر بالاتر باشد هزینه فرصت از دست رفته برای او بالاتر است، در این صورت تقسیم کاری به وجود می‌آید و زن در امور خانه و مرد وارد فعالیت اقتصادی می‌شود (عمادزاده، ۱۳۸۲).

گروه دوم: عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی و اجتماعی و آداب و سنن هر کشوری در نرخ مشارکت زنان در بازار کار تأثیر می‌گذارد.^۹ از جمله عوامل فرهنگی می‌توان به تفاوت و تبعیض در فرایند اجتماعی شدن زن و مرد، حاکم شدن تفکر مردسالاری در جامعه و از جمله موانع اجتماعی می‌توان به تفکیک جنسیتی آموزشی، قوانین ناظر بر خانواده، وجود تبعیض در ساختار اشتغال، سیاست‌های محدودکننده در انتخاب رشته تحصیلی و شغل برای دختران، قوانین کار، تقسیم جنسی مشاغل زنانه و مردانه اشاره کرد (توکلی والا، ۱۳۸۵).

⁷ Tansel(2002); Mammen & et al.(2000)

⁸ Tansel (2002)

⁹ Vendrik(2000)

گروه سوم: عوامل جمعیت شناختی
 میزان باروری: افزایش باروری با افزایش مسئولیت زنان همراه است. لذا افزایش باروری عامل بازدارنده زنان از فعالیت های خارج از خانه است (هادیان و وحیدپور، ۱۳۷۸).
 آموزش و تحصیلات: هرچه میزان تحصیلات و آموزش زنان بالاتر باشد، احتمال یافتن شغل برای آنها در بخش های مختلف اقتصادی بیشتر می شود (یزدخواستی و احمدی، ۱۳۸۶).

گروه چهارم: قوانین رسمی و قواعد اجتماعی
 قوانین رسمی و قواعد اجتماعی مرتبط با حقوق و وظایف اجتماعی و فردی زنان بر مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی اثر می گذارد. در این مورد اگر حقوق زنان در قبال مالکیت اموال، تقسیم ارث، تعیین همسر، تصمیم گیری در خانواده و انتخاب شغل، قوانین مرتبط با اشتغال زنان در جامعه و سیاست های دولتی موافق با گسترش اشتغال زنان باشد، تسهیلات لازم در بکارگیری زنان در مشاغل ایجاد می شود (محمودیان، ۱۳۸۲). بی تردید افراد جامعه، قانون برنامه را شاخصی برای ارزیابی میزان تعهد و پایبندی نهادهای قانونگذاری و اجرایی در راستای سیاست های نظام تلقی می کنند و میزان تحقق برنامه ها را ابزاری برای سنجش کارایی و اثربخشی این نهادها می انگارند، بدین لحاظ بررسی می کنند که قانون برنامه تا چه اندازه در جهت حرکت به سمت چشم اندازهای نظام تهیه و تدوین شده و تا چه میزان در صدد تضمین دسترسی به آمال و ایده آل های ملی است (زعفرانچی، ۱۳۸۵). از این رو در ادامه با توجه به اهمیت نقش زنان در روند توسعه متوازن و پابدار، این تحقیق به مقایسه مؤلفه های اقتصادی و اجتماعی حوزه زنان در دو برنامه چهارم و پنجم توسعه می پردازد.

جدول ۱: تعداد مؤلفه های اجتماعی زنان در برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور

مؤلفه	شاخص	عبارات مربوطه در متن برنامه	برنامه چهارم	برنامه پنجم
اجتماعی	نقش زنان در جامعه	جایگاه زن در صحنه های اجتماعی	۰	۱
		توجه به نقش سازنده بانوان	۱	۱
	آسیب های اجتماعی	برنامه های توسعه مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی	۳	۰
		پیش گیری از آسیب های اجتماعی	۰	۱
	ایجاد و گسترش نهادهای مدنی و تشکلهای زنان	رفع خشونت علیه زنان	۱	۰
		اصلاح ساختار اداری تشکلهای زنان	۰	۱
		ایجاد و گسترش نهادهای مدنی و تشکلهای زنان	۲	۰
		توسعه تعاملات بین المللی	۰	۱
	حقوق اجتماعی زنان	توسعه توانایی های مردم نهاد	۰	۱
		حقوق شرعی در همه عرصه ها	۰	۲
		حقوق قانونی در همه عرصه ها	۱	۲
		طرح جامع حمایت از حقوق زنان، در ابعاد حقوقی، اجتماعی	۱	۰
		بازنگری قوانین و مقررات، به ویژه قانون مدنی	۱	۰
		برابری فرصت های اجتماعی برای زنان و مردان	۱	۰
توانمندسازی اجتماعی زنان	طرح جامع توانمندسازی زنان	۱	۰	
	توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با برنامه های خانواده محور	۰	۲	
	توانمند سازی با شرایط بومی ومنطقه ای	۰	۱	
	ارتقا توانمندی های زنان مدیر و نخبه	۰	۱	
حمایت اجتماعی	توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با برنامه های اجتماع محور	۰	۲	
	گسترش حمایت های اجتماعی	۱	۰	
		ارتقاء کیفیت زندگی زنان	۱	۰

در بررسی ای اجمالی از برنامه چهارم توسعه در می یابیم که علاوه بر اینکه کار بدون دستمزد زنان خانه‌دار در احتساب تولید ناخالص ملی مورد بی‌مهری قرار گرفته است، هدف سیاست‌گذار تنها بهبود وضعیت زنان تحصیلکرده بوده و کمتر برنامه‌ریزی منسجم و قابل‌طرحی برای زنان خانه‌دار و فاقد تحصیلات عالی ارائه شده است ولی در برنامه پنجم توجه خاصی به زنان بی‌سرپرست و خودسرپرست و ایجاد مهارت‌شغلی و مشاغل خانگی شده است. در عوض برنامه چهارم درصدد هموار نمودن مسیر برقراری شاخص برابری زنان و مردان در فرآیند مشارکت‌های اقتصادی بوده و مواردی مثل تساوی مزدها برای زنان در مقابل مردان، توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب، توانمندسازی زنان در بخش تعاونی که در مجموع نگاه خاص قانون برنامه چهارم توسعه به زنان را نشان می‌دهد ولی این مهم در برنامه پنجم کلاً نادیده گرفته شده است. برنامه پنجم اضافه کردن بندی به منظور موظف نمودن دولت جهت تهیه، تصویب و اجرای طرح الگوی مناسب اشتغال زنان در راستای ایفای نقش‌های خانوادگی زنان و ایجاد توازن و تعادل بین نقش‌های خانوادگی و اجتماعی را می‌طلبد، همانطور که محتشمی (۱۳۸۴) نیز در مورد برنامه چهارم به این مورد اشاره کرده بود ولی همچنان در برنامه پنجم نیز مغفول مانده است.

جدول ۲: تعداد مؤلفه‌های اقتصادی زنان در برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور

مؤلفه	شاخص	عبارات مربوطه در متن برنامه	برنامه چهارم	برنامه پنجم
اقتصادی	قوانین اقتصادی زنان	تساوی مزدها برای زن و مرد در مقابل کار هم ارزش	۱	۰
		مرخصی استحقاقی و استعلاجی	۰	۱
		منع تبعیض در اشتغال و حرفه	۱	۰
		خدمت نیمه وقت	۰	۲
	تأمین حق بیمه	طرح جامع حمایت از حقوق زنان، در ابعاد اقتصادی	۱	۰
		عدم شرط سنی برای بازنشستگی در مشاغل سخت	۰	۱
		شش سال مرخصی بدون حقوق برای زنان کارمند در صورت مأموریت همسر	۰	۱
		برخوردار بودن زن از حمایت قانون یکسان با مردان	۱	۰
		تأمین حق سرانه بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار	۰	۲
		تحت پوشش بیمه قرار دادن زنان بی‌سرپرست و خودسرپرست	۰	۵
	پرداخت کمک هزینه	بیمه خاص زنان بیوه و سالخورده و خودسرپرست	۰	۱
		تأمین بیمه خاص برای حمایت از زنان سرپرست خانوار	۱	۰
		کمک هزینه عائله‌مندی برای کارمندان زن شاغل و بازنشسته	۰	۱
		حق پرستاری برای همسر معلولان	۰	۱
مسکن	حمایت از زنان سرپرست خانوار	۰	۱	
	افزایش مستمری ماهیانه زنان سرپرست خانواده	۱	۰	
	اجاره به شرط تملیک با حفظ اولویت زنان سرپرست خانوار	۱	۰	
	واحدهای مسکونی ارزان قیمت و استیجاری برای زنان سرپرست خانوار	۱	۰	
اشتغال و معیشت	ایجاد مهارت شغلی	۰	۲	
	مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست	۰	۱	
	رعایت حداقل مزد متناسب با حداقل معیشت زنان	۱	۰	
	برنامه‌های توسعه مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی	۳	۰	
	شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا	۱	۰	
توانمندسازی اقتصادی زنان	توسعه و سامان‌دهی امور اقتصادی و معیشتی	۰	۱	
	توانمندسازی زنان از طریق دستیابی به فرصت‌های شغلی مناسب	۱	۰	
	توانمندسازی زنان جویای کار، در راستای برقراری تعاملات اجتماعی	۱	۰	
	طرح جامع توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار	۱	۰	
	توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با بودجه عمومی	۰	۱	
		توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با کمک‌های مردمی	۰	۱

۶. نتیجه گیری

در ادبیات توسعه با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت کشورها را تشکیل می دهد، تأکید می شود که توسعه متعادل و پایدار بدون مشارکت زنان امکان پذیر نمی باشد و حتی مقبولیت و مشروعیت دولت‌ها با میزان مشارکت اجتماعی مردم به ویژه زنان سنجیده می شود. با این توصیف، وضعیت و جایگاه زنان در برنامه های توسعه نسبت به آنچه که شایسته و بایسته است، فاصله بسیار دارد، امری که می تواند ناشی از دیدگاه محدود برنامه ریزان و برنامه نویسان بوده باشد که به نقش سازنده و توانمندی زنان کم توجه بوده اند و یا ریشه در نظام نهادی و باورهای اجتماعی داشته باشد که لازم است به تدریج متحول شده و در راستای دستیابی به توسعه متعادل و پایدار به مشارکت اجتماعی از جمله مشارکت زنان توجه لازم مبذول گردد. در کشور ما که زنان نیمی از پتانسیل فکری جامعه اند، باز گذاشتن میدان برای بروز توانایی‌ها و شکوفایی استعدادها و زنان با حفظ شخصیت و کرامت انسانی آنان و حفظ مصالح خانوادگی ارزش بسیار دارد. حذف زنان از صحنه های اجتماعی، حذف نیمی از جامعه انسانی می باشد (سلیمانی، ۱۳۹۰) که نتیجه آن می تواند اثرات زیانبار اقتصادی - اجتماعی برای کشور در پی داشته باشد. بنابراین لازم است متناسب با استعدادهای زنان زمینه اشتغال و مشارکت آنان در عرصه های اقتصادی فراهم شود. برخی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان، موانع توسعه ای است که به ساختار کشورها مربوط می شود و بخشی از آن موانع غیرتوسعه ای و غیرساختاری می باشد. از موانع توسعه ای، موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می توان نام برد و موانع غیرتوسعه ای نیز به ویژگی های شخصیتی و فیزیولوژیکی زنان باز می گردد. چنانچه مشارکت زنان در نیروی کار با سیاست های درست راهبردی، همراه و همساز شود، جوامع دچار کاهش زاد و ولد و پدیده پیر شدن جمعیت نخواهد شد. بنابراین، دولت ها می باید برای بهره گیری کامل از استعدادهای و توانایی های سرشار زنان، ضمن برداشتن موانع موجود بر سر راه مشارکت هرچه بیشتر زنان، «مادران شاغل و موفق» را در جامعه و در کنار مردان، به کار گیرند. تدوین طرح جامع تفصیلی اشتغال زنان در نظام جمهوری اسلامی که با توجه هم زمان به شرایط کنونی و آینده جامعه، ویژگی ها و کارآمدی های زنان، آموزه های دینی و اهداف انقلاب اسلامی، ارایه کننده طرحی کلان و جامع و قابل دفاع باشد، نیز ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

مراجع

- ابونوری، اسمعیل، غلامی، نجمه (۱۳۸۸)، بررسی روند اشتغال زنان در مقایسه با مردان و عوامل مؤثر بر سهم اشتغال زنان در بخش صنعت ایران، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۷، شماره ۱، صص ۵۴-۳۱.
- احمدی، مینا (۱۳۸۴)، پیامدهای معاهدات بین المللی در ایران، بخش پایانی: تحول در امور بنیادین، فصلنامه کتاب زنان، ۱۳۸۴، شماره ۳۰: ۱۴۵.
- افراخته، ح. (۱۳۹۰)، جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی و تأثیر باورهای اجتماعی بر آن: مطالعه موردی روستاهای کوهپایه ای فومنات، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۱، صفحات ۱۷۳-۱۹۳.
- آقابخشی، ح.، و محتشمی، مهرنوش (۱۳۸۸)، بررسی جایگاه زنان در محتوای برنامه های توسعه بعد از انقلاب، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۸.
- امینی، امیرمظفر، احمدی شاپورآبادی، محمدعلی (۱۳۸۶)، اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوردارمیه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آن‌ها، مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۱، صص ۶۵-۹۱.

- پیشگاهی فرد، زهرا، پولاب، ام البنی (۱۳۸۸)، آینده پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تاکید بر جایگاه ایران، پژوهش زنان، شماره ۳، صص ۱۰۶-۸۹.
- تقدیسی، احمد، جمینی، داود، مرادی، نصرت (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل روند اشتغال و بیکاری در شهرستان صحنه طی دوره های (۱۳۸۵ - ۱۳۷۵)، برنامه ریزی فضایی، شماره ۳، صص ۸۱-۱۰۶.
- توکلی والا، ژاله (۱۳۸۵)، بررسی موانع اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان ایران دهه های اخیر، دفتر مرکزی خبرگزاری زنان ایران، تهران.
- دادورخانی، فاضله (۱۳۸۵)، توسعه روستایی و چالشهای اشتغال زنان، پژوهش های جغرافیایی - شماره ۵۵، صص ۱۸۸ - ۱۷۱.
- رستمی، مصطفی (۱۳۸۳)، بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه شاخص: شهرستان ساری)، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱۳، صص ۳۹-۶۵.
- زعفرانچی، لیلیا سادات (۱۳۸۵)، زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۸۵: ۱۰۷-۱۰۵.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸-۱۳۸۴، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱، مواد ۱۴۳، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۸۰.
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (۱۳۸۹)، مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۹-۱۳۹۳، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱): "مشارکت اجتماعی زنان"، فصلنامه پژوهش زنان ۴: ۲۶-۵۲.
- شجاعی، زهرا (۱۳۸۳): زنان فردا، مجموعه سخنرانی ها و مقالات زهرا شجاعی، مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز امور مشارکت زنان، جلد اول، ناشر، شرکت انتشارات سوره مهر.
- عباسیان، مجتبی، ابراهیم زاده اسمین، حسین، ناظریان، نورمحمد، ایرندگانی، یونس (۱۳۹۰)، بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان، زنان و خانواده، شماره ۱۷، ۱۴۷-۱۷۸.
- علمی، زهرا (۱۳۸۳)، سیاست های اقتصادی کلان و بازار کار در ایران، پژوهش زنان، شماره ۲، صص ۳۷-۱۷.
- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲)، اهمیت سرمایه گذاری در آموزش زنان، پژوهش زنان، شماره ۷، صص ۱۴۰-۱۱۵.
- فرشادفر، زهرا و اصغرپور، حسین (۱۳۸۹)، بررسی مزیت نسبی اشتغال زایی بخش های عمده اقتصادی در استان کرمانشاه، مجله دانش و فناوری، سال اول، شماره ۲، صص ۷۵-۶۰.
- صداقتی فرد، م و ارجمند، ا. (۱۳۸۹)، انگیزه های زنان ایرانی از شرکت در فعالیت های اجتماعی پژوهشی در شناسایی عواملی موثر بر مشارکت زنان - مطالعه موردی زنان ۲۰ تا ۳۴ سال شهر سمنان، فصلنامه زن و جامعه ۹۷: (۲) ۱۲۲-۹۷.
- صیدالی بختیاری، م. (۱۳۹۱)، جایگاه مشارکت زنان در توسعه پایدار زاگرس مرکزی، سرویس خبری زنان ایبنا نیوز، دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۱ ساعت ۱۲:۴۶.
- کیانمهر، محمد ولی (۱۳۷۹)، تنگناهای آموزشی و تأثیر آن بر اشتغال و توسعه اقتصاد روستایی - تعاون، شماره ۱۱۰.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۲)، بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استانها در سالهای ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۱۸۹-۲۱۸.
- هادیان، ابراهیم و وحیدرپور، علی (۱۳۷۸)، توسعه اقتصادی و سهم زنان در نیروی کار، فصلنامه جمعیت، شماره ۲۸-۲۷، صص ۳۰-۲۰.

- هرندی، فاطمه، جمشیدی، فرشید (۱۳۸۷)، چگونگی اثرپذیری احتمال اشتغال زنان متأهل نقاط شهری و روستایی از ویژگی های فردی و خانوادگی، دانش و توسعه، شماره ۲۳، صص ۲۰۵-۱۹۱.
- یزدخواستی، بهجت و احمدی، وکیل (۱۳۸۶)، بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تاکید بر سرشماری ۱۳۸۵، مطالعات زنان، سال اول، شماره سوم.
- Cavalcanti, Tiago V. de V. and José's Tavares (2004), assessing the "Engines of Liberation": Home appliances and female labor force participation, Page 1-14.
- Çelik, Mucahit., & Tatar, Mehmet (2011), Employment-unemployment Issues and Solution Suggestions Adiyaman Example, Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business, Vol. 3, No. 2, pp. 1211- 1226.
- Domosh, Mona, and Joni Seager (2001), putting in place: Feminist geographers make sense of the world, NewYork: Guilford press.
- Ernst, Ekkehard, Rani, Uma (2011), Understanding unemployment flows, Oxford Review of Economic Policy, Volume 27, Number 2, pp. 268-294.
- Ganbari, Yusef, Moradi Hovasin, Nosrat, Jamini, Davood, Mafakheri, Amin, Gashtil, Kheiri (2012), Spatial Analysis and Classification of Women's Employment Indices in Rural Areas of Iran, American Journal of Scientific Research, Issue 71, pp: 74-83.
- Mammen, Kristin and Paxson, Christina (2000), Women's Work and Economic Development, Journal of Economic Perspectives, Vol. 14, No.4, pp. 141-164.
- Momsen, Janet H (2004), Gender and Development, London: Routledge.
- Tam, Vicky. C.W (1999), foreign domestic helpers in Hong Kong and their role in childcare Provision` in Janet H. Momsen (ed.) Gender, Migration and Domestic Service, London and New York: Routledge.
- Tansel, Aysýt (2002), "Economic development and female labour force participation in Turkey: Time series evidence and cross province estimates", in Bulutay, T. (Ed) Employment of Women, Ankara: State Institute of Statistics.
- Vendrik, Maarten C. M (2000), Bandwagon and habit effects on female labour force participation, Economic Review, Vol. 78, No. 2, pp. 1-30.
- Sarrafi, Mozaffar(1992):"Planning Theory and Development", Discussion Paper No, 32.Vancouver.